تفاوت zu viel با viel zu

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 23, 2019

سلام دوستان ؛

در این درس می خواهیم با هم به تفاوت و کاربردهای zu viel و viel zu بپردازیم

قبل از اینکه بخواهیم در مورد تفاوت های این دو صحبت کنیم ؛ بد نیست که بدانیم در تفکر آلمانی هر چیزی لغت مربوط به خودش را دارد ؛ این یعنی در زبان آلمانی ما یک خیلی برای صفات داریم و یک خیلی هم برای اسامی و افعال ؛ برای درک بیشتر به توضیحات و مثال های زیر توجه کنید:

sehr -> برای صفات استفاده می شود

viel -> نه تنها برای اسامی بلکه برای افعال هم مورد استفاده قرار میگیرد

Ich bin sehr müde من خیلی خسته هستم

همانطور که دیدید بعد از sehr یک صفت آمد ؛ پس هر وقت خواستیم مقدار زیادی از یک صفت را بیان کنیم به سروقت sehr میرویم

sehr schnell خیلی تند یا خیلی سریع

sehr langsam خیلی آروم یا آهسته

sehr klein, sehr groß خیلی بزرگ ؛ خیلی کوچیک

اما viel را به صورت زیر مورد استفاده قرار میدهیم

به همراه افعال :

viel schlafen خیلی خوابیدن یا زیاد خوابیدن

viel arbeiten خیلی کار کردن یا زیاد کار کردن

viel essen خیلی خوردن

به همراه اسامی :

Er hat viel Geld او (مذکر) خیلی پول دارد

Ich habe viel Arbeit من خیلی کار دارم

Sie hat viel Geduld او (مونث) خیلی صبر یا حوصله دارد

اما اجازه بدید به موضوع اصلی این درس یعنی تفاوت میان viel zu و zu viel بپردازیم

همانطور که برای اسامی ؛ افعال viel را داشتیم و برای صفات sehr را ؛ حال اگر بخواهیم به بیش از اندازه یا بیش از حد اشاره کنیم به صورت زیر عمل میکنیم

zu viel -> بیش از اندازه یا بیش از حد ــ> برای اسامی ؛ افعال و یا اصلا به تنهایی و بی واسطه

viel zu -> تنها برای صفات مورد استفاده قرار میگیرد

چند مثال برای zu viel

هر گاه به همراه افعال بیاید

Die einzige Regel ist, dass Sie nicht zu viel nachdenken

تنها قانون یا قاعده این است که شما بیش از اندازه فکر و خیال نکنید

همانطور که می بینید بعد از zu viel یک فعل آمده است

هرگاه به همراه اسامی بیاید

Leider habe ich zu viel Arbeit

متاسفانه یا بدبختانه من بیش از اندازه کار دارم

zu viel Schokolade essen بیش از اندازه یا بیش از حد شکلات خوردن

نکته : توجه داشته باشید که zu viel تنها با اسم جمله یعنی Schokolade در ارتباط است و هیچی ربطی دیگر به فعل جمله ندارد هر چند برای ما خیلی فرقی هم نمیکند چرا که zu viel هم می تواند با اسامی و هم با افعال بیاید

یک اصطلاح مثال و اصطلاح جالب در همین رابطه

Wenn zu viel Kaffee in die Tasse gießt, muss sich nicht wundern, wenn es überläuft

کسی که بیش از اندازه قهوه در فنجان میریزد ؛ نباید تعجب کند ؛ چنانچه سر ریز شود

این اصطلاح در واقع کنایه از این دارد که : هر کی خربزه میخوره پای لرزشم باید بشینه یا می شینه

خب دوستان اگر فراموش نکرده باشید ما در بالا گفتیم که zu viel می تواند با اسامی ؛ افعال و یا به تنهایی بدون هیچ واسطه ی در جملات بکار برده شود ؛ در ارتباط اسامی و افعال مثال های زده شد ؛ حال اجازه بدهید چند مثال برای zu viel بدون واسطه بزنیم:

Er redet zu viel

او (مذکر) بیش از اندازه حرف میزند

در فارسی گفته می شود : او خیلی زر میزند

Er weiß zu viel

او خیلی میداند

یعنی خیلی بارش هست یا خیلی حالیشه

بیش از اندازه آگاهی و دانش دارد

یک اصطلاح مهم و کاربردی :

Es ist mir alles zu viel

دیگه به اینجام رسیده

دیگه طاقت ندارم (از فشار و خستگی زیاد)

دیگه کم آوردم و نمی توانم ادامه بدهم

نکته : ما می توانیم برای اصطلاح دیگه به اینجام رسیده ؛ جمله زیر را نیز بیان کنیم

Es steht mir alles bis hier oben

دیگه به اینجام رسیده ؛ جونم به لبم رسیده

می توانیم همانند فارسی با دستمان هم نشان بدهیم و بگوییم دیگه به اینجام رسیده

حالا که به طور کلی با zu viel آشنا شده ایم وقت آن است که چند مثال هم برای viel zu بزنیم

میدانیم که viel zu همیشه به همراه صفات می آید ؛ یعنی بعد از آن همواره یک صفت می نشیند

viel zu klein بیش از اندازه یا بیش از حد کوچک

viel zu groß بیش از اندازه یا بیش از حد بزرگ

viel zu schnell بیش از اندازه یا بیش از حد تند و سریع

viel zu langsam بیش از اندازه یا بیش از حد کند

Letztes Wochenende war es viel zu heiß

آخر هفته گذشته به شدت یا بیش از حد گرم بود